

پیوستگی وقف و تشیع و تأثیرات اجتماعی- اقتصادی آن در عصر صفوی

دکتر سید احمد عقیلی^۱

سید مصطفی طباطبایی^۲

چکیده:

این مقاله، به بررسی ارتباط وقف با تشیع، ارتباط بین گسترش تشیع با گسترش موقوفات در دوره صفوی پرداخته است. هدف مقاله آن است که نشان دهد چگونه رسمیت و گسترش تشیع توانست بر روند گسترش وقف در ایران تأثیر گذارد. همچنین مشخص می‌کند که تقویت و گسترش وقف بر گسترش تشیع در جامعه دوره صفویه جهت‌دهی می‌کرد. توسعه و تعالی نقش و مفهوم وقف می‌تواند به عنوان عاملی برای تحول اجتماعی و تکامل در اقتصاد اسلامی و فرهنگ کشور گردد. به عبارتی دیگر قابلیت‌های بنیادی نهفته در اصل وقف می‌تواند موجد و عامل مهمی در رونق و تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردد.

کلیدواژه‌ها:

تشیع، وقف، صفویه، تأثیرات اجتماعی، تأثیرات اقتصادی.

مقدمه

به طور کلی، نقش وقف در حیات جوامع انسانی آن چنان وسیع و گسترده است که باید از آن به عنوان یک « نظام » یاد کرد. نظام به این عنوان که وقف تمام ابعاد و جنبه های مختلف یک جامعه انسانی را شامل می شود و کمتر اموری از جامعه را می توان یافت که از پوشش نظام وقف خارج باشد. تجربه وقف در تمدن اسلامی نمونه موفق تلاش اسلام برای ایجاد همزیستی مسالمت آمیز اجتماعی است که نقش بارز عمرانی این سنت و اثرات احباس آن با تأسیس و حفظ بناهای مذهبی، سیاسی، اجتماعی، آموزشی و ... در شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی ظاهر شده است.

آنچه در پدیده وقف حائز اهمیت می باشد، آن است که با ایجاد یک بنای وقفی، موقوفات دیگری نیز در ارتباط با آن احداث شده و در کل سبب به وجود آمدن یک مجموعه وقفی درون شهری و در نتیجه توسعه و گسترش شهر می شود. از طرف دیگر، شرایط و ویژگی های سنت

وقف موجب می شود تا پایداری و ماندگاری این آثار، با وجود خودکفایی و درآمدزایی مجموعه، در مدت زمان طولانی تضمین شود.

با ورود اسلام به ایران، وقف بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت که ریشه های آن را می توان در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام جست و جو کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نظام وقف را در شهر مدینه برقرار ساخت. پس از این واقعه، به پیروی از سنتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باقی مانده بود، وقف نقش بسزایی در عمران و آبادانی شهرهای اسلامی ایفا کرد.^۳ حضرت علی علیه السلام نیز با عمران و آبادانی اراضی بایر و حفر چاه و ایجاد نخلستان، تمامی ثمرات و منافع این اراضی را تحت عنوان وقف در جهت استفاده افراد مستمند قرار می دادند و این روش و سیره پسندیده از طرف ائمه اطهار علیهم السلام، علما، صالحین و افراد خیر و نیکوکار تداوم یافت.

چون به ایران پس از اسلام می نگریم، اگرچه تا چندین سده



شاهد رسمیت یافتن آیین تشیع و سپس گسترش و رواج چشمگیر آن هستیم. از این روی این سؤال مطرح می‌شود که نهاد وقف بر گسترش تشیع در ایران چه تأثیری داشته است؟ و به دنبال این پرسش، فرضیه ارائه شده آن است که گسترش موقوفات خاص شیعه، بر روند گسترش تشیع در ایران تأثیر داشته است.

این پژوهش بر مبنای یک مطالعه تاریخی به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و اساس تحقیق در این روش، اتکا به استنادات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های تاریخی می‌باشد که نشان می‌دهد، در نظام وقف تفکر نظام‌مندی برای حفظ و اشاعه مذهب شیعه وجود داشته است.

سیاست شاهان صفویه در تثبیت پیوند تشیع و وقف

پس از این که شاه اسماعیل، تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کرد، طبیعی بود که می‌بایست کوششی برای اشاعه آن صورت گیرد و البته این کار به انحای

نشانه‌ای آشکار و پایدار از وقف بر جانمانده، ولی نشانه‌هایی در نوشته‌های سده‌های چهارم و پنجم از بخشندگی‌های بزرگوارانه دیده می‌شود که نشان می‌دهد مسجدها، زیارتگاه‌ها، خانقاه‌ها، مدرسه‌ها و ... از محل درآمد اوقاف ساخته می‌شده و به کار خود ادامه می‌داده‌اند.^۴

در ادوار دیگر تاریخ ایران مانند دوره تیمور نیز به مسأله وقف توجه می‌شد و به‌ویژه از موقوفات تیموری در خراسان بزرگ می‌توان نام برد.^۵ توجه به امر وقف در دوره‌های بعدی نیز همچنان ادامه داشته است، به‌طوری که در دوره صفوی، با به رسمیت شناختن مذهب شیعه از جانب حکومت، سنت وقف رونق فراوانی یافت و بسیاری از املاک، وقف بقاع متبرکه شیعه گردید.^۶

بنا بر شواهد و قراین تاریخی، دوره صفویان از دوره‌هایی است که نهاد وقف در آن گسترش بسیار یافت و این گسترش، خود بر سایر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیری مستقیم یا غیرمستقیم گذاشت. در این عصر

مختلف انجام شد و در نهایت اکثریت جمعیت ایران به تشیع گرویدند. یکی از اموری که موجب گسترش تشیع شد، وقفیاتی بود که جنبه‌های تبلیغاتی برای این آیین داشت. یعنی موقوفاتی که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت داعیه‌داران مذهب و سایر مؤسسات مذهبی، وقف شده بودند. شاه اسماعیل که بنیانگذار سلسله صفویه بود، موقوفات متعددی را وقف نموده است.^۷ موقعیت شاهان صفوی به عنوان مرشد اکمل وظایف خاص مذهبی را برای آنان ایجاد می‌کرد. با گسترش وقف سازمان‌ها و اداراتی برای امور موقوفات ایجاد شد.^۸

ثبات طولانی مدت حکومت صفوی، زمینه‌ای مناسب برای توسعه و گسترش وقف به وجود آورد. این امنیت سیاسی، شرایط مساعد اجتماعی - فرهنگی در جامعه ایجاد کرد که بدون آن تصور گسترش وقف محال به نظر می‌رسید. در سایه امنیت و آسایش این دوره بود که اقتصاد رونق گرفت، تجارت فعال شد و هنر و معماری شکوفا گشت و در نهایت

در سایه همین آرامش بود که فرصتی برای امور فرهنگی و از جمله وقف اموال برای اشاعه آیین تشیع که خود تقویتی عظیم از دولت صفوی بود، حاصل آمد. این مدعا با نگاهی به وقفنامه‌ها و تاریخ تراکم موقوفات به آسانی ثابت می‌شود. از لحاظ زمانی هرچه از دوره اولیه صفوی؛ که زمان کشورگشایی‌ها و معارضه با همسایگان خارجی و یاغیان داخلی است، فاصله می‌گیریم بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود و در نهایت تراکم عمده وقف را در سال‌های پس از ۱۰۰۰ ه.ق که دوران تحکیم و تثبیت است، شاهد هستیم.

موقوفات با کارکردهای توانای فرهنگی - مذهبی خود یکی از کارسازترین راه‌های نفوذ فرهنگی مذهب تشیع را در جامعه فراهم ساختند. اگر به تنوع موقوفات توجه کنیم تقریباً در همه جنبه‌های گوناگون اثری از وقف را شاهد هستیم. مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب انبارها، کاروانسراها، شفاخانه‌ها، سقاخانه‌ها، مزارات، دارالایتام‌ها، نوانخانه‌ها، همه



اول (۹۹۶-۱۰۳۵ ه.ق) آغاز شد، شاهد موقوفات عظیم و بی‌مانندی برای چهارده معصوم علیهم‌السلام هستیم. این موقوفات می‌توانست برای پادشاهی که حتی انگشتی دستش نیز وقف بود، مقبولیت و مشروعیت به ارمغان آورد. همچنین نوع مصارف موقوفات او سرمشقی برای سایر بزرگان دربار بود تا از آن پیروی کنند. همه اینها همراه با رونق اقتصادی و امنیتی که در دوره شاه عباس اول به وجود آمده بود زمینه را برای رشد چشمگیر وقف مهیا کرد. شاه عباس اول توجه و تمرکز جدی به انجام و اجرای مناسک زیارتی ائمه اطهار علیهم‌السلام از خود نشان می‌داد. اسکندر بیگ منشی می‌نویسد: «... از زمانی که گنبد امام رضا علیه‌السلام را زیارت نمود ... به شکرانه این عطیه ایزدی پیشانی مسکنت به خاک نیاز سوده در آنجا با جهان جهان اخلاص و عالم عالم نیازمندی برهنه پای و گشاده پیشانی طی مسافت فرمود...»^۹.

شاه عباس که به امور مذهبی توجه خاص داشت و آبادانی اماکن مقدسه

و همه جنبه‌هایی از وقف را در این دوره نشان می‌دهد.

بیشترین موقوفات در جهت تبلیغات مذهبی قرار داشت. در وهله اول وقف بر مزار امامان علیهم‌السلام و امامزادگان، بیشترین موقوفات را به خود اختصاص داده بود. به طوری که میزان موقوفات در این حوزه نه از نظر تعداد و نه از نظر ارزش موقوفه قابل قیاس با حوزه‌های مصرفی دیگر نبود. کثرت موارد وقف برای حرم امامان و امامزادگان علیهم‌السلام، گویای ارج نهادن جامعه به مظاهر آیین تشیع است. البته مطمئناً این موارد وقف در ابتدا از سوی مردمی که تازه تغییر مذهب داده بودند، انجام پذیرفت، بلکه از سوی دولتمردان و بزرگان که در رأس آنان شخص شاه قرار داشت، انجام گرفت. این نوع موقوفه به مرور نوعی ارزش در جامعه شد و در جهت همین ارزش‌ها، و همراه با سیاست‌های مذهبی حکومت به پیش می‌رفت.

نکته جالب توجه، دوره زمانی این موقوفات است. در دوره دوم حکومت صفویان که با حکومت شاه عباس

اهل تشیع مورد نظر وی بود، خود نیز ارادت خاص به ائمه هدی علیهم السلام نشان می داد و از هر فرصتی برای اثبات آن بهره می گرفت. در عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی بیان می دارد که در بیست و یکمین سال حکومت وی (سال ۱۰۱۵ ه.ق)، شاه عباس تصمیم می گیرد اموال خود را بر چهارده معصوم علیهم السلام وقف نماید. «در این سال رأی صوابنمای اشرف اعلی که ...، جمیع املاک و رقبات مکتسب خاصه خود را که در زمان دولت روزافزون در حیطه تملک و تصرف شرعی آن حضرت قرار گرفته بود و قیمت عادله آنها زیاده از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل آنها بعد از وضع موونات زراعت به تسعیر وسط قریب به هفت هزار تومان می شد، به خانات عالیه و قیصریه و چهار بازار دور میدان نقش جهان اصفهان و حمامات که در آن بلده جنت نشان ترتیب یافته، وقف حضرات عالیات مقدسات چهارده معصوم علیهم السلام فرمود»^{۱۰}.

با فراهم آمدن این بستر مناسب، در

زمان جانشینان او شاهد رشد فزاینده وقف هستیم. در این دوره در سایه ثبات و آرامشی که وی ایجاد کرده بود، فرصتی حاصل آمد تا بیشتر به مسائل فرهنگی - مذهبی پرداخته شود. مدارس علمیه بزرگی که هریک شاهکار هنر و معماری زمان خود بود، در ایران و به ویژه در اصفهان (پایتخت صفویه) از راه وقف ایجاد شد.

نقش تشیع در گسترش و جهت دهی به موقوفات

وقف بر مساجد و مدارس و وقف بر امور عام المنفعه مانند ساختن کاروانسرا، پل، حفر قنات و نیز وقف بر دستگیری از فقرا در میان تمام ملل مسلمان رواج داشت. اما وقف بر امامزاده ها، وقف بر مراسم تعزیه داری و روضه خوانی امیرالمؤمنین و سیدالشهدا و سایر ائمه علیهم السلام مطمئناً در بین تمام مسلمانان معمول نبود و فقط شیعیان مبادرت به انجام چنین موقوفاتی کرده اند و البته آن هم در شرایطی که اوضاع اجتماعی ممنوعیتی برای انجام آن قائل نشده



وقف باطل است»^{۱۱}.

در این دوره وقف خانقاه‌های که از قرن‌های قبل تداوم داشت به مرور کمرنگ‌تر شد و به‌طور کلی جایگاه خانقاه در جامعه آن روز متزلزل گشت. حال آن‌که در دوره‌هایی، از جمله در دوره تیموری، خانقاه‌ها از معتبرترین و کارآمدترین مکان‌های وقفی بودند. البته برخی خانقاه‌ها مانند خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی - دست کم در ظاهر - از این قاعده مستثنی گشتند و تا آخر روزگار صفویان کماکان بر اعتبار پیشین خود باقی ماندند. البته برخی از علمای سختگیر حتی ایراداتی بر آنان نیز وارد می‌کردند، در صورتی که عده‌ای دیگر نه تنها آنان را از این ایرادات مبرا می‌دانستند بلکه آنان را به‌عنوان کسانی که مروج و مدافع تشیع بوده‌اند می‌ستودند.

نقش مردم در جهت‌دهی و گسترش وقف و موقوفات

از جمله رویکردهای مردم جهت حفظ و رونق موقوفات، وقف اموال و

باشد. به بیانی دیگر در زمانی چنین موقوفاتی شکل می‌گرفت که شرایط سیاسی و اجتماعی کاملاً مساعد باشد. رسمیت یافتن آیین تشیع در ایران عصر صفویه در اندک مدتی توانست موقوفات را جهت دهد. در واقع در این دوره موقوفاتی که اختصاص به مذهب شیعه داشت رشد فراوانی کرد. پس از آن‌که صفویان از تشیع متصوفانه به سوی تشیع مشرعانه سوق یافتند برخی اماکن وقفی موجود در نظام تصوف مورد بی‌مهری قرار گرفت و حتی علمای این دوره وقف بر این نوع موارد را جایز ندانسته‌اند از جمله مواردی که بر متصوفه وقف بود مذموم دانسته شد. از علامه مجلسی در رساله نظم‌الثالی معروف به سؤال و جواب در این باره پرسش می‌شود که: «هرگاه مصرف وقف را امر نامشروعی قرار دهند، مثل آن‌که ملکی را وقف کرده باشند که حاصل آن را صرف غنا و چرخ زدن که از بدعت‌های بعضی صوفیان است نمایند، چه حکم دارد؟ جواب: مشهور آن است که آن

املاک خویش جهت تعمیر، روشنایی، چراغ، شمع، فرش، حصیر و برپاداری مراسم عزاداری است. پیوند میان سنت حسنه وقف و مردم از قرون اولیه اسلامی وجود داشته و مردم اولاً برای حفظ و رونق وقف و دوماً برای حفظ اموال خویش از گزند حکومت‌های جبار و عوامل آنها به این کار مبادرت می‌ورزیدند. گویی وقف اموال بر این بقاع، قداست و حرمت خاصی را برای این املاک به وجود می‌آورد که حتی بی اعتقادان را نیز وادار به نوعی تمکین می‌نمود و مانع دست‌درازی آنان می‌شد.

بنابر این بسیاری از واقفان برای حفظ املاک و اراضی و اموال خود از گزند حکومت‌های محلی و حکام جور و نیز مردم و حتی وراثت زیاده‌خواه، روی به وقف اموال خود می‌آورده‌اند و این باعث شده که اطمینان خاطری برای حفظ این املاک برای آنان به وجود آید.^{۱۲}

با رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره صفویه، سنت حسنه وقف در

بین مردم از رونق بیشتری برخوردار گردید و بسیاری از موقوفات در این دوره برای اماکن متبرکه امامان علیهم‌السلام و تحت تأثیر آنها به سمت بقاع متبرکه امامزادگان علیهم‌السلام اختصاص یافت. ساختمان اکثر امامزاده‌های موجود در دوران صفویه ساخته شده است.

تأثیرات اجتماعی و اقتصادی وقف در جامعه

وقف در گذشته تأثیر بسزایی در توسعه اماکن شهری و رونق بازار و تجارت در شهر داشته است. از طرف دیگر قرار گرفتن بسیاری از این اماکن در کنار موقوفات مهمی مانند امامزاده‌ها خود باعث اعتباربخشی به این اماکن است. وجود موقوفات تجاری و مسکونی در جوار امامزاده باعث شده آن امامزاده با قسمت‌های دیگر کالبد شهری از قبیل بازار، مسجد، اماکن مسکونی و تکایا ارتباط برقرار نماید. وقف بر امامزاده، باعث حضور واقفان و متولیان وقف در محل برای نظارت بر مصارف موقوفه در ایام خاص شده



گسترش فضای بقاع به وقف یا در نهایت واگذاری املاک و اراضی خود می‌پردازند.

شکل دیگر بروز رفتار اجتماعی و مذهبی مردم در این بقاع، دفن اموات و درگذشتگان است. قبلاً اشاره شد که در گذشته معمولاً علما، دانشمندان، امرا و حکام را در صحن‌های امامزادگان دفن می‌کردند. اکنون این رسم به بیشتر مردم سرایت کرده و مردمی که علایق مذهبی دارند در شهرها و روستاها حاضر می‌شوند که با پرداخت مبالغ قابل توجهی به خرید قبر و دفن اموات اقدام نمایند که این عمل منبع درآمدی برای امامزادگان محسوب می‌شود. این رفتار اجتماعی برگرفته از روحیه معنوی مردم است که به نوعی به شفاعت و دستگیری اولیای الهی اعتقاد دارند.

انگلبرت کمپفر سیاح آلمانی که در سال ۱۶۸۳ م در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران سفر کرده است، مشاهدات خود را این‌گونه بیان می‌کند: «... ائمه سراسر عمر خود را در زجر

و این خود باعث رونق امامزاده گردیده است.

در هر صورت «وقف در اماکن مذهبی باعث تقویت فعالیت‌های دینی شده، و از طرفی عملکردها و ساختارهای موجود در دیگر نواحی شهری خود تحت تأثیر وقف بوده و حتی مقادیری از اموال و املاک موقوفه که در مناطق اطراف و در حوزه این اماکن مقدسه واقع‌اند، فضاهای اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در هر صورت وقف به‌عنوان یکی از نهادها و رسوم، تأثیر مهمی بر شهرهای اسلامی داشته و این خود عاملی برای حمایت از اماکن مذهبی و عملکردهای آنها و دیگر امکانات بوده است»^{۱۳}.

این تأثیر اجتماعی به‌خصوص در رفتار مردمی که در جوار امامزاده سکونت دارند، بیشتر مشهود است. آنان احساس رقابت و نزدیکی بیشتری با آن مکان مذهبی دارند و معمولاً تلاش دارند که از هر نوع مانع و نقصانی که باعث خدشه امامزاده می‌شود دوری گزینند. برخی مواقع این مردم برای

گذرانده‌اند و اغلب آنها قربانی این نامردی‌ها شدند. سرنوشت اعقاب آنها نیز که اغلب به ایران گریختند به همین منوال بوده است. هر چند این مملکت قرن‌ها به دست اهل تسنن اداره شده است، باز قوم ایرانی از قبور امامزاده‌ها که در دوران صفویه به بهترین وجه تجدید ساختمان و تزئین شده، مراقبت کرده است. این امامزاده‌ها از طریق وقف مزارع، دهات و گرمابه‌ها از عواید بسیاری بهره‌مند می‌شدند، این عواید خرج نگهداری ساختمان‌ها، تهیه روغن چراغ‌ها، تأمین معاش متولیان و قاریان می‌شده است»^{۱۴}.

دیگر سیاح اروپایی سانسون که در عهد شاه سلیمان صفوی از ایران دیدار کرده است، می‌نویسد: «مشهد زیارتگاه ایرانیان است و شهر بسیار غنی می‌باشد. شاه عباس چون نمی‌خواست رعایایش پول خود را از مملکت خارج کنند و در قلمرو حکومت عثمانی خرج نمایند و می‌خواست آنها را از رفتن به مکه منصرف گرداند، به رعایایش عشق و ارادت به امام رضا علیه السلام را که یکی از

دوازده امام ایرانیان می‌باشد و در مشهد مدفون است، القا کرد»^{۱۵}.

کاتف از بازرگانان روسی است که در سده شانزدهم میلادی به ایران سفر کرد و سفرنامه‌ای کم‌حجم مربوط به اواخر دوران صفویه از خود بر جای گذاشته است. وی درباره بقعه شیخ صفی نوشته است: «کشندگان و راهزنان و بدهکاران و یا آنان که از مهلکه‌ای می‌جستند و همچنین بردگان فراری چون به اینجا روی آورند و بر زنجیرها بوسه زنند و در بقعه بپناهند، از کسی حراسی ندارند و حتی شاه هم آنها را مجازات نمی‌کند. آنها به حساب هزینه‌های آرامگاه مانند صومعه‌های روسی غذا می‌خورند»^{۱۶}.

از نقل جملات سفرنامه نویسان صفویه در فوق چند نکته می‌توان استنباط کرد: گسترش سنت وقف در دوره صفویه باعث شد موقوفات زیادی در گوشه و کنار شهرهای ایران برای اماکن مقدس پدید آید. به‌ویژه، وقف بر امامزادگان از چند نظر اهمیت دارد. اول این‌که وقف بر امامزاده یا



برخی از موانع عمل به موقوفات امامزادگان در دوره صفویه تا عصر حاضر

همچنان که قبلاً اشاره شد، دست تطاول روزگار بر این موقوفات نیز مستولی شده و بسیاری از موقوفات - به خصوص موقوفاتی که قدیمی ترند - دستخوش تغییر و دگرگونی گردیده و در برخی از موارد به کلی محو گردیده‌اند و اکنون تنها می‌توان اشاراتی از آنها در برخی از آثار قدیمی یافت یا نهایتاً در اسناد و موقوفات اوقاف رد پای از آنها سراغ گرفت. این نکته علل و عوامل متعددی دارد که در هر زمان، شرایط سیاسی و اجتماعی باعث تغییر رویه مردم گردیده است. در اینجا به برخی از عوامل اشاره می‌کنیم:

- شاهان صفوی و در کنار آنان امرا و وزرایی که از برخی از آنها نام بردیم، با این که توجهی به اماکن مقدسه داشتند، اما در کنار آن افرادی در دربار اینان به بی‌عدالتی، ظلم و ستم به مردم می‌پرداختند و حتی این بی‌عدالتی به برخی از اعمال مذهبی مانند وقف

هر مکان مقدس دیگری، سندی بر هویت و اصالت آن محل یا امامزاده است که گذشت زمان نمی‌تواند غبار فراموشی بر روی آن بپوشاند. دوم آن‌که با داشتن موقوفات، امامزاده در تأمین هزینه‌های خویش (به‌خصوص در گذشته) در نمی‌مانده و هم از جهت عمرانی و هم از جهت برگزاری مراسم به جای دیگری وابسته نمی‌شده است. در زمینه وقف بر امامزادگان (علیه‌السلام) نیز این مطلب را باید تذکر داد که قبل از حکومت صفوی نیز وقف در این زمینه بوده ولی با توجه به این که قبل از این دوره ایران با هجوم مغولان و تاتارها مواجه شده و از سویی بیشتر حکام، اهل سنت بوده‌اند، امکان کم‌تری برای ترویج فرهنگ وقف بر امامزادگان وجود داشته و وقف مختص مساجد و دیگر امور خیریه بوده است و تعداد موقوفات پیشین در این زمینه بسیار معدود است. در دوره صفویه و پس از آن است که حکام و مردم بر این سنت پافشاری می‌کنند و آن را با قوت هر چه بیشتر انجام می‌دهند.

سرایت می‌نموده و آنان با پرداختن هزینه‌ای اندک، صاحب بسیاری از املاک قراء و روستاها می‌شدند و آنها را برای پاک شدن اموالشان خرج امامزاده می‌کردند که ضرب‌المثل معروف «روغن ریخته را خرج امامزاده کردن» اینجا مصداق پیدا می‌کند. در برخی از منابع رفتار ملاباشی‌های دوره صفوی در پیشکش کردن برخی از روستاها به وزرا و امرا آمده است. اینها به خاطر نفوذ در میان ملاکان به این کار اقدام کرده‌اند و وقتی مردم چنین چیزی را شاهد بوده‌اند، به مرور زمان از این اقدامات سر می‌تافتند و رفتار دیگری را پیش می‌گرفتند. البته این قاعده نبوده اما یکی از دلایلی است که در پی مطالعات در وقفنامه‌ها و اسناد به آن رسیده‌ایم.

طبق قاعده «الناس علی دین ملوکهم» تا زمانی که حکومت صفوی در پی تحکیم پایه‌های دینی و مذهبی خود بود و امرا و سلاطین آن به این گونه اعمال احترام می‌گذاشتند، مردم نیز این کار را انجام می‌دادند و از زمانی که

فساد، تملق، چاپلوسی و ... سراسر آن حکومت را فرا می‌گرفت، مردم نیز به سست ایمانی و کاهلی در اجرای دین کشانده شده بودند»^{۱۷}.

- عدم ثبات سیاسی از جمله علل مسکوت ماندن عمل وقف در حکومت‌های ایران بوده است. معمولاً شاهان داخل یک سلسله هم، با هم اختلافات زیادی داشتند و به‌خصوص سلسله‌ای که تغییر می‌یافت، چون نظام اداری خاصی حاکم نبود، عمل به وقف متوقف می‌شد.

- پدید آمدن وقفنامه و واقعی دیگر که همان املاک را وقف بر همان مصارف یا مصارف دیگری می‌کرد، از دلایل متوقف شدن و از بین رفتن عمل به وقف شده است.

- سستی و بی‌کفایتی برخی از شاهان و وزرا به‌خصوص در دوره قاجاریه، از عوامل از دست رفتن بسیاری از موقوفات به‌طور عام و موقوفات بقاع به‌طور خاص گردیده است.

- دست‌درازی کشاورزان و ملاکان پیشین که با ادعای حق ریشه داشتن



نمی‌رسد بلکه این امامزاده‌ها هستند که با نذورات مردم و درآمد ضریح و دفن اموات در محوطه به کمک برخی از این موقوفات آمده‌اند. البته پس از انقلاب شکوهمند اسلامی تلاش‌های زیادی در جهت شناسایی، احیاء و عمل به وقف صورت گرفته است که خود جای بسی امیدواری دارد.

نتیجه‌گیری

در ابتدای دوره صفوی، اشاعه مذهب تشیع بیشتر با اعمال زور و خشونت انجام می‌پذیرفت، اما پس از مدتی وظیفه اشاعه این آیین به جای ارباب شمشیر به اهل علم واگذار شد. مدارس علمیه فعال شدند و نهاد آموزشی دینی با بهره‌مندی از درآمد کلان موقوفات، هدایت معنوی جامعه را برعهده گرفت و روز به روز بر اعتبار و در نتیجه نفوذ این مدارس در جامعه افزوده شد. همچنین آیین تشیع به عنوان عاملی مهم در سیاست حکومتی، توانست موقوفات را به سوی دغدغه‌ها و نیازهای خود سوق دهد.

در مزارع و املاک باعث از بین رفتن بسیاری از موقوفات شدند.

- بی‌کفایتی و بی‌اعتقادی بسیاری از متولیان که نمی‌توانسته یا نمی‌خواستند به درستی عمل به وقف انجام شود، از عوامل دیگر از بین رفتن موقوفات شد. به تعبیر دیگر همچنان که در مورد امامزاده می‌گوئیم حرمت امامزاده را متولی آن حفظ می‌کند، این نکته در مورد موقوفات هم مصداق پیدا می‌کند.

- قانون اصلاحات ارضی در رژیم منحوس پهلوی، از عوامل مهم از دست رفتن موقوفات در دوره‌های اخیر شد. این قانون با نقایص زیاد و بدون توجه به جنبه‌های شرعی مسأله، خسارات جبران‌ناپذیری را به اکثر موقوفات کشور وارد کرد که موقوفات بقاع از این قانون مستثنی نبودند.

همه این عوامل و عوامل دیگری که در این نوشته نیامده، دست به دست هم داده تا یکی از سنت‌های اسلامی که وقف بر اماکن و بقاع بوده، با مشکل مواجه شود و در برخی موارد نه تنها از درآمد موقوفات چیزی به امامزاده‌ها

نهاد وقف، سیاست شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و شاهان و دولتمردان صفوی نیز نهاد وقف را استحکام بخشیدند و به آن عظمت دادند. در واقع نهاد وقف جزء جدایی ناپذیر سیاست مذهبی این خاندان به شمار آمد. سیاستی که دگرگونی‌های فرهنگی - مذهبی بسیاری را برای جامعه به ارمغان آورد. تأثیرات فرهنگی - مذهبی نهاد وقف در دوره صفوی به حدی عمیق و استوار بود که هنوز پس از چند قرن آثار آن به روشنی هویداست.

وقف بر امامزادگان علیه السلام علاوه بر تقویت باورهای دینی و علایق مذهبی دارای کارکرد اجتماعی و اقتصادی است. این وقف‌ها که از زمان سلاطین صفویه رونق بیشتری گرفتند، باعث حمایت از بقاع و اماکن متبرکه شدند و فضای اطراف حرم این امامزاده‌ها نیز تحت تأثیر این عامل به شکوفایی و رشد اجتماعی و اقتصادی رسید که نمود آن را در بازارها و رونق تجارت و کسب و کار و توسعه فضای

گردشگری باید دید. مردم هم بنا بر سنت موجود، به وقف اموال و املاک خود بر امامزاده‌ها پرداختند.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.
۳. مدینه اسلام، ص ۸۲.
۴. فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دهم، شماره ۳۹-۴۰، صص ۹۷-۱۰۸.
۵. معماری ایران در دوره ایلخانان، ص ۵۴.
۶. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱، ص ۳۵.
۷. هانری کرین فیلسوف فرانسوی، همواره تلاش می‌نماید جنبه عرفانی و تصوف‌منشانه شیعه را بر دیگر جنبه‌ها برتری نهد و به همین خاطر پیوند میان تشیع و تصوف را در بسیاری از آثار خود بیان کرده است. صرف نظر از صحت و سقم دیدگاه ایشان نمی‌توان منکر این مطلب شد که با توجه به این که سلسله صفویه (حداقل در آن زمان) الگوی مناسبی برای رفتار اجتماعی و سیاسی نداشته است، از رویکردهای دیگر تأثیر پذیرفته باشد.
۸. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵، ص ۲۲۳.
۹. تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۹۱۱.
۱۰. همان، ص ۷۶۰.
۱۱. مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، ص ۳۷.
۱۲. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، صص ۷۳-۷۶.
۱۳. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، ص ۲۹.
۱۴. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۴.
۱۵. سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، ص ۲۰۱.
۱۶. سفرنامه کاتف، ص ۴۹.
۱۷. علما و مشروعیت دولت صفوی، ص ۲۲۸.

منابع:

کتاب

۱. تاريخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان منشی، تصحيح: محمد اسماعيل رضواني، تهران، دنياي کتاب، ۱۳۷۷.
۲. سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سليمان صفوی)، سانسون، ترجمه: تقی تفضلی، تهران، ۱۳۴۶.
۳. سفرنامه کاتف، فدت آفاناس کاتف، ترجمه: محمد صادق همایون فرد، بی جا، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۶.
۴. سفرنامه کمپفر، انگلبرت کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
۵. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، محمد ابراهيم باستاني پاریزی، تهران، ۱۳۶۲.
۶. علما و مشروعیت دولت صفوی، سید محمد علی حسینی زاده، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
۷. مدینه اسلامی، محمد عبدالستار عثمانی، ترجمه: علی چراغی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۸. معماری ایران در دوره ایلخانان، دونالد ویلبر، ترجمه: عبدالله فریار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۴.

مقاله

۱. پژوهشی در موقوفات عصر صفوی، مریم میراحمدی، مشهد، آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۷۱.
۲. تأثیر نهاد وقف در نظام آموزشی دوره صفوی، مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، نزهت احمدی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۲.
۳. تحلیل فضایی کالبدی بازار اصفهان، سیروس شفقی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، بهار ۱۳۸۰.
۴. نقش تاریخی وقف در شکل گیری شهر اسلامی، حسین کلانتری خلیل آباد، سید احمد صالحی و قهرمان رستمی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.
۵. نقش وقف در ایجاد بناهای مذهبی و میراث های هنری و معماری جهان، محمد تقی سالک بیرجندی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دهم، شماره ۳۹-۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.